**حقیقت سفینه النجاه بودن امام حسین (ع) – جلسه ششم**

انسان در مسیر ابتلا و امتحان به گونه‌ای سخت امتحان می شود و باید مراقب باشد با قصوراتش خود را بدبخت نکند. این یک واقعیت است که ما بسیاری از فرصت هایی را که در پیش روی خود داشته ایم، سوزانده ایم. این فرصت سوزی ها از دست دادن درجات و باعث هلاک است. «أحسب الناس أن یترکوا آن یقولوا آمنا و هم لا یفتنون». این که خیال کنید صرفا با ابراز ایمان خود امتحان نخواهید شد گمان باطل است. در روایات چندین عامل به عنوان عامل هلاک امت ها گفته شده است.

در یک روایتی از امام صادق (ع) از یکی از اصحابش که در حج شرکت نکرده بود، پرسید، چرا در حج نبودی؟ عرض کرد که کار دارم یابن رسول الله. امام صادق (ع) فرمودند: «ما لک و الکفالة؟» تو را چه به کار! «أن الکفالة هی الالتی هلک القرون الاولی» همین کار بوده است که اقوام قدیم را نابود کرده است. به وظایف دینی و اخلاقی خود نگویید که کار دارم. به کار خود بگویید که وظایف دینی دارید. این به نوعی تغییر اولویت هاست، اگر اولویت های دینی انسان نسبت به اولویت های دنیوی مغلوب شد، این نشانه هلاک است.

یکی دیگر از عوامل هلاک، ضعف علم است. بدبختی های مادی و اقتصادی برای این است که درد دین را نمی فهمیم. عامل نجات معرفت است.

عامل دیگر هلاک کننده، بخل پیروی شده است. (شُحٌّ مُطاعٌ) در وجود همه ما بخل وجود دارد, اما اگر به خاطر بخلمان دیگران را منع کردیم، این عامل نابودی است.

یکی دیگر از عوامل هلاک, نفس و نفسانیات است. خیلی ها بخاطر نفسانیت هایشان بدبخت شدند. نفس تا جایی پیش می رود که دوست دارد او را در صفتی مدح کنند که در او نیست، اگر کسی به این جا رسید، هلاک او حتمی است (فَلا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ).

اگر شهوت بر عقل، دنیا بر آخرت و هوس هایتان بر دینتان غالب شد، شما را نابود خواهد کرد. کم هستند کسانی که در لذت ها غوطه ور شده باشند و نجات پیدا کنند. اگر کسی به دنیا نزدیک شد و دنیا برای او شیرین شد، هلاک خواهد شد. البته با وجود شهوت غالب و ضعف عقل، باز عذاب حتمی نیست! خدا راه نجاتی را قرار داده است. اگر مردم باب استتغفار را نمی بستند، زمین نمی خوردند. «و ما کان معذبهم و هم یستغفرون» مردم گناه می کنند، تکرار می کنند و اصرار می کنند. این اصرار به گناه است که گناهکار را زمین می زند.

شب هشتم ماه محرم سال ۹۷

مسجد دانشگاه امیرکبیر